

کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست‌های روز هفتم لائودیکه‌ای - شماره بیست‌وپنج

Jeff Pippenger

2026-01-11

شماره بیست‌وپنج

کتاب یوئیل رهبری کلیسای ادونتیست‌های روز هفتم لائودیکه‌ای را با شهادتی درباره شورش فزاینده آن در طول چهار نسل روبه‌رو می‌کند. آن چهار نسل همچنین در باب هشتم حزقیال به تصویر کشیده شده‌اند، جایی که بیست‌وپنج مرد آن نسل چهارم در برابر خورشید سجده می‌کنند. در سال ۱۹۰۱، سیزده سال پس از شورش ۱۸۸۸، کلیسای ادونتیست برای رهبری کلیسا کمیته‌ای تشکیل داد.

کمیته اجرایی اولیه کنفرانس عمومی در جریان سازمان‌دهی مجدد بزرگ در اجلاس کنفرانس عمومی سال ۱۹۰۱ تأسیس شد و شامل ۲۵ عضو بود. این نسبت به کمیته پیش از ۱۹۰۱ که تنها ۱۳ عضو داشت، گسترشی چشمگیر بود. تعداد اعضا در گذر سال‌ها افزایش یافته است، اما عیسی همواره پایان را با آغاز یکی می‌داند. آغاز ۲۵ عضو بود و یکی از آنان رهبر بود؛ امری که با یک نوبت در معبد شباهت دارد، نوبتی که از ۲۴ کاهن و یک کاهن اعظم تشکیل می‌شد.

یهودا و سنهدرین دو نماد تمرد در زمان مسیح‌اند. سنهدرین نمایانگر کلیسای ادونتیست روز هفتم لائودیکه‌ای است. مشارکت سنهدرین در به صلیب کشیده شدن مسیح، نمادی از نقش ادونتیسم در بحران قانون یکشنبه است. سنهدرین (عالی‌ترین شورای یهودی در اورشلیم، متشکل از رؤسای کاهنان، مشایخ و کاتبان، به ریاست کاهن اعظم، قیافا) نقشی محوری در رویدادهایی که به مرگ عیسی انجامید، ایفا کرد.

پس از دستگیری عیسی در جتسیمانی (که با خیانت یهودا ترتیب داده شده بود)، او را شبانه در خانه قیافا به حضور سنهدرین بردند. آنان برای محکوم کردنش به دنبال شهادت بودند و شاهدانی آوردند که او را به کفرگویی و شورش متهم کردند.

هنگامی که قیافا مستقیماً از عیسی پرسید آیا او مسیح (یا پسر خدا) است، پاسخ مثبت عیسی، «تو گفتی»، باعث شد کاهن اعظم اعلام کند: «کفر است!» شورا حکم داد که او مستوجب مرگ است. چون تحت حاکمیت روم اختیار اجرای حکم اعدام نداشتند، عیسی را به پونتیوس پیلاتس، والی رومی، سپردند و برای گرفتن حکم اعدام از رومیان او را به فتنه‌انگیزی متهم کردند. خود مصلوب کردن در عمل به دستور پیلاتس و توسط سربازان رومی انجام شد، اما تنها پس از آن‌که پیلاتس زیر فشار سران کاهنان و جمعیتی که خواستار مرگ عیسی و آزادی باراباس بودند، کوتاه آمد.

وقتی مسیح بر روی زمین بود، جهان براباس را ترجیح داد. و امروز نیز جهان و کلیساها همان انتخاب را می‌کنند. صحنه‌های خیانت، رد و مصلوب شدن مسیح بازسازی شده‌اند و باز هم در مقیاسی عظیم بازسازی خواهند شد. مردم از صفات دشمن پر خواهند شد، و با آنها فریب‌های او قدرتی عظیم خواهند یافت. به همان اندازه که نور رد می‌شود، کج‌فهمی و سوءتفاهم پدید خواهد آمد. کسانی که مسیح را رد می‌کنند و براباس را برمی‌گزینند، زیر نفوذ فریبی ویرانگر عمل می‌کنند. تحریف و شهادت دروغ رشد خواهد کرد تا به شورش آشکار بینجامد. چون چشم بد باشد، تمام بدن از تاریکی پر خواهد شد. کسانی که دل‌بستگی خود را به هر پیشوایی جز مسیح می‌سپارند، خود را - در جسم و جان و روح - زیر سلطه شیفتگی‌ای خواهند یافت که آن‌قدر افسون‌گر است که زیر قدرت آن، جان‌ها از شنیدن حقیقت روی‌گردان می‌شوند تا دروغی را باور

کنند. آنان به دام می‌افتند و اسیر می‌شوند، و با هر عمل خود فریاد می‌زنند: براباس را برای ما آزاد کن، اما مسیح را مصلوب کن.

حتی اکنون نیز این تصمیم گرفته می‌شود. صحنه‌هایی که بر صلیب رخ دادند، از نو به اجرا درمی‌آیند. در کلیساهایی که از راستی و عدالت منحرف شده‌اند، آشکار می‌شود که طبیعت بشر، هنگامی که محبت خدا اصل پایدار جان نباشد، چه می‌تواند بکند و چه خواهد کرد. دیگر نباید از هیچ رویدادی که ممکن است اکنون رخ دهد، تعجب کنیم. نباید از هیچ‌گونه تحولات هولناک شگفت‌زده شویم. کسانی که شریعت خدا را زیر پای ناپاک خود لگدمال می‌کنند، همان روحیه‌ای را دارند که مردانی داشتند که به عیسی اهانت کردند و به او خیانت ورزیدند. بی‌هیچ عذاب وجدانی، کارهای پدر خود، یعنی شیطان، را انجام خواهند داد. آن‌ها همان پرسشی را خواهند پرسید که از لبان خائن یهودا بیرون آمد: "اگر عیسی مسیح را به شما تسلیم کنم، چه به من می‌دهید؟" حتی اکنون نیز مسیح در وجود مقدسانش مورد خیانت قرار می‌گیرد. Review and Herald، 30 ژانویه 1900.

اگر این فراز واقعاً همان معنایی را داشته باشد که می‌گوید، آنگاه کسانی که به عنوان «انتخاب‌کنندگان باراباس» شناخته می‌شوند، قادر نخواهند بود بفهمند این فراز چه تعلیم می‌دهد. آن‌ها همان کسانی‌اند که در رساله دوم به تسالونیکیان یاد شده‌اند؛ چون حقیقت را دوست نداشتند، به گمراهی شدید دچار می‌شوند. او درباره کسانی که باراباس را برمی‌گزینند می‌گوید: «کسانی که محبت خود را به هر رهبری جز مسیح بدهند، خود را زیر سلطه شیفتگی‌ای خواهند یافت که بر بدن و جان و روح ایشان چیره است؛ چنان فریبده که در زیر قدرت آن، نفوس از شنیدن حقیقت روی برمی‌تابند تا دروغی را باور کنند.» کسانی که باراباس را انتخاب می‌کنند، پیش از رسیدن به نقاط عطفی چون صلیب و قانون روز یکشنبه، زیر کنترل شیطان‌اند. در آن وضعیت به هیچ‌وجه نمی‌توانند بفهمند این فراز چه تعلیم می‌دهد. از این‌رو خواهند گفت: «شرایطی که وقتی خواهر وایت این کلمات را نوشت حاکم بود، مربوط به آن تاریخ خاص بود، نه اکنون.» شاید بگویند: «او به‌طور کلی درباره مسیحیت سخن می‌گوید و این مستقیماً در مورد ادونتیس‌های روز هفتم صدق نمی‌کند.» مزخرف.

بدیهی است که شرایط تاریخی زمانی که خواهر وایت آن سخنان را نوشت، در واقع شرحی بر تاریخ شخصی او بود، اما همان‌گونه که درباره یوحنا در مکاشفه نیز چنین است، وقتی به پیامبری گفته می‌شود که بنویسد، به او گفته می‌شود بنویسد: «آنچه دیده‌ای، و آنچه هست، و آنچه بعد از این خواهد شد.» وقتی پیامبر «آنچه هست» را ثبت می‌کند، هم‌زمان «آنچه خواهد بود» را نیز ثبت می‌کند.

رهبری ادونتیسیم در قالب بیست‌وپنج مرد حزقیال به تصویر کشیده شده است؛ کسانی که همچنین از نظر نبوی با دویست‌وپنجاه مردی که در کنار قورح، داتان و ابیرام ایستادند هم‌راستا شمرده می‌شوند. به همان اندازه مهم این است که به گفته خواهر وایت، شورشیان سال ۱۸۸۸ و کنفرانس عمومی مینیاپولیس به‌عنوان تکرار شورش قورح، داتان و ابیرام شناسایی شدند. خواهر وایت به‌صراحت تعلیم می‌دهد که هنگامی که فرشته مکاشفه هجده فرود آید و زمین را با جلال خود روشن سازد، باران دیر هنگام آغاز می‌شود.

باران پسین بر قوم خدا خواهد بارید. فرشته‌ای نیرومند از آسمان فرود خواهد آمد، و سراسر زمین با جلال او روشن خواهد شد. Review and Herald، ۲۱ آوریل ۱۸۹۱.

خواهر وایت به‌صراحت تعلیم می‌دهد که فرشته مکاشفه باب هجده در اجلاس عمومی ۱۸۸۸ با پیام‌های ای. تی. جونز و ای. جی. واگنر نازل شد. وقتی او در آن اجلاس بود، آن قدر از شورش برآشفته شد که تصمیم گرفت وسایلش را جمع کند و برود، اما فرشته‌ای به او گفت که باید بماند و این تاریخ را ثبت کند، زیرا این تکرار شورش قورح بود. اگر این ثبت شدن برای شهادتی در ایام آخر نبود، چرا فرشته

چنین خواست؟ و اگر شهادتی برای ایام آخر است، جز این چه می‌تواند معنا دهد که کلیسای ادونتیسست روز هفتم لاودیکی در خلال بحران قانون یکشنبه—و به‌ویژه در سیر تاریخی منتهی به آن—پا جای پای سنهدرین خواهد گذاشت؟

پیام جونز و واگونر به‌عنوان «پیام توجیه به‌وسیله ایمان، به‌راستی»، «پیام لاودیکی»، «پیام عدالت مسیح» و «پیام فرشته سوم» معرفی شد. شورشیان با آن پیام مخالفت کردند و همچنین هدایت روح نبوت و فرستادگان برگزیده آن جلسه را رد کردند. خواهر وایت همچنین تعلیم می‌دهد که هنگامی که ساختمان‌های بزرگ شهر نیویورک با لمسی از قدرت خدا فرو ریخته شوند، آنگاه مکاشفه ۱۸:۱-۳ تحقق خواهد یافت. از ۱۱ سپتامبر تاکنون، رهبری کلیسای ادونتیسست روز هفتم لاودیکی در حال تکرار شورش قورح، شورش بیست‌وپنج مرد کهنسال، شورش رهبری در سال ۱۸۸۸ و شورش سنهدرین در دوره منتهی به صلیب بوده است. آن بیست‌وپنج مرد نمادی هستند که نمایانگر یک کهنات لاویانی جعلی‌اند.

یک لاوی ۲۵ ساله بود وقتی که خدمت را آغاز کرد.

و خداوند با موسی سخن گفت و فرمود: این است آنچه مربوط به لاویان است: از بیست‌وپنج‌سالگی به بالا به خیمه اجتماع درآیند تا خدمت آن را انجام دهند؛ و از پنجاه‌سالگی از آن خدمت دست بکشند و دیگر خدمت نکنند؛ بلکه با برادران خود در خیمه اجتماع برای پاسداری از وظیفه همکاری کنند و خود خدمتی انجام ندهند. پس درباره وظیفه لاویان چنین عمل کن. اعداد 26-8:23.

یک لاوی خدمت خود را در سن بیست‌وپنج‌سالگی آغاز می‌کند و تا پنجاه‌سالگی، به مدت بیست‌وپنج سال خدمت می‌کند. فرستاده عهد در ملاکی باب سه، در زمان قانون یکشنبه، لاویان را پالایش و نیز تطهیر می‌کند، چنان‌که او در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ انجام داد.

اینک، فرستاده خود را خواهم فرستاد، و او راه را پیش روی من آماده خواهد کرد؛ و خداوندی که او را می‌جوید، ناگهان به معبد خود خواهد آمد؛ یعنی فرستاده عهد، همان که از او خشنودید. اینک، او خواهد آمد، می‌فرماید خداوند لشکرها.

اما چه کسی تاب روز آمدن او را خواهد داشت؟ و چه کسی هنگام ظاهر شدنش ایستاده خواهد ماند؟ زیرا او همچون آتش پالایشگر و مانند صابون سفیدگران است. و او چون پالایشگر و پاک‌کننده نقره خواهد نشست، و پسران لاوی را پاک خواهد ساخت و ایشان را همچون طلا و نقره پالایش خواهد کرد، تا برای خداوند قربانی‌ای با پارسایی تقدیم کنند. آنگاه قربانی یهودا و اورشلیم برای خداوند خوشایند خواهد بود، چنان‌که در روزهای قدیم و سالیان پیشین. ملاکی 1:3-4.

عدد «۲۵» به‌عنوان نماد، نه تنها نشان‌دهنده یک لاوی وفادار است، بلکه نمایانگر یک لاوی جعلی نیز هست. بنابراین «۲۵» به‌عنوان نماد، مشخص‌کننده جدایی دو طبقه از پرستندگان است، چه دوشیزگان دانا و نادان باشند، چه گوسفندان و بزها، یا گندم و علف‌های هرز. عدد بیست‌وپنج نه تنها نماد یک لاوی است، بلکه به همان اندازه مهم، نماد جدایی (پاکسازی) لاویان نیز هست. این جدایی در هنگام قانون یکشنبه رخ می‌دهد و از موضوعات اصلی کلام نبوی خداست. شایسته است که فصل بیست‌وپنجم متی، صرفاً ادامه نبوت عیسی درباره پایان جهان در فصل بیست‌وچهارم متی باشد.

و عیسی از هیکل بیرون آمد و روانه شد؛ و شاگردانش نزد او آمدند تا عمارت‌های هیکل را به او نشان دهند. و عیسی به ایشان گفت: آیا همه اینها را نمی‌بینید؟ به راستی به شما می‌گویم، در اینجا سنگی بر سنگی باقی نخواهد ماند که بر زمین افکنده نشود. متی ۱:۲۴، ۲.

وقتی عیسی هیکل را ترک کرد، دیگر هرگز بازنگشت. در آیات پایانی فصل بیست و سوم، عیسی بر سنهدرین حکم داوری صادر کرده بود و این داوری به صورت هشت «وای» بیان شده است؛ بدین سان هشت «وای» تقلیدی جعلی از هشت نفر در کشتی، روز هشتم ختنه، روز هشتم رستاخیز، هشت نسل ابراهیم، ۴۳۰ سال و جز اینهاست. عدد جعلی «هشت» با لاوی جعلی هم‌راستا است.

به راستی به شما می‌گویم، همه این چیزها بر این نسل خواهد آمد.

ای اورشلیم، اورشلیم، تو که پیامبران را می‌کشی و آنانی را که نزدت فرستاده می‌شوند سنگسار می‌کنی، بسا بار خواستم فرزندان را گرد هم آورم، چنان که مرغ جوجه‌های خود را زیر بال‌هایش جمع می‌کند، و شما نخواستید! اینک، خانه شما برای شما متروک و ویران واگذارده می‌شود.

زیرا به شما می‌گویم، از این پس مرا نخواهید دید تا زمانی که بگویید: «مبارک باد آن که به نام خداوند می‌آید.» متی ۲۳:۳۶-۳۹.

باب بیست و دوم متی با تمثیلی از بستن شیرین در دسته‌ها پایان می‌یابد و با آخرین مواجهه میان مسیح و یهودیان مجادله‌گر نیز خاتمه می‌یابد. سپس در باب بیست و چهارم، او برای آخرین بار هیکل را ترک می‌کند و خدمت خود برای اسرائیل باستان را پایان می‌دهد. این باب همان‌جا که آغاز شده بود به پایان می‌رسد، با اعلام اینکه خانه‌شان خالی به حال خودشان واگذار شد، و آنچه او هنگام نخستین پاک‌سازی هیکل «خانه پدرم» می‌نامید، اکنون خانه خالی یهودیان بود.

در فصل ۲۴، عیسی قرار است به پرسش‌هایی درباره هیکل و نابودی قریب‌الوقوع آن پاسخ دهد. قرار بود آن نابودی در همان نسل رخ دهد، که نسلی از افعی‌زادگان بود. او آن هیکل را ترک کرد و هرگز بازنگشت؛ پس پیشگویی‌هایی که بیان می‌کند ناظر بر اسرائیل روحانی است، نه اسرائیل جسمانی. وقتی مسیح هیکل را - که همان کلیسای ادونتیست روز هفتم لائودیکی است - ترک کند، همان‌گونه که با اسرائیل باستان کرد، هم‌زمان هیکل انسانی یکصد و چهل و چهار هزار نفر با هیکل الهی برای ابدیت پیوند خواهد خورد. وقتی عیسی هیکل اسرائیل باستان را ترک کرد، قوم عهد پیشین خود را برای همیشه طلاق داد.

فصل یازدهم تا فصل بیست و دوم متی، آمگای رشته فصل یازدهم تا بیست و دوم در کتاب پیدایش است. وقتی این رشته در پیدایش یازده آغاز می‌شود، همچنین آغاز بابل و عهد مرگ بابل را نشان می‌دهد؛ عهده که تحقق آمگای خود را در مکاشفه، فصل هفدهم، آیه یازدهم می‌یابد؛ همان آیه‌ای که درست در مرکز آیاتی قرار دارد که فصل‌های یازده تا بیست و دو را تشکیل می‌دهند. میانه فصل‌های یازده تا بیست و دو در پیدایش، متی و مکاشفه هر یک بر نشان یا نشان جعلی آن تأکید دارند. در پیدایش، ختنه بود؛ در متی، پطرس و آن صخره‌ای که مسیح کلیسای خود را بر آن بنا خواهد کرد؛ و در مکاشفه، وحش جعلی‌ای که بود و هست و خواهد برخاست، که هشتم است، که از آن هفت است، و سپس با اژدها پیوند می‌بندد.

یازده و بیست و دو نمادهایی هستند که ترکیب الوهیت با انسانیت را مشخص می‌کنند؛ همان مسئله‌ای که مسیح با نوشتن شریعت خود بر دل‌ها و اذهان ما آن را نمایان می‌سازد. ۱۱ و ۲۲ نمادهای عهد یکصد و چهل و چهار هزار هستند. در انجیل متی، فصل بیست و سوم، کهنوت کاذب مشمول هشت «وای بر شما» شد و در همان مقطع زمانی، کهنوت راستین مسح می‌شود. کاهنان به مدت هفت روز تقدیس شدند و در روز هشتم خدمت را آغاز کردند.

تصادفی نیست که هفت روز تقدیس کاهنان که به آغاز خدمت آنان در روز هشتم انجامید، در اعداد باب هشت آیه یک آغاز می‌شود؛ زیرا «۸» نمادی از کاهنان است.

و خداوند به موسی گفت: هارون و پسرانش را با خود بیاور، و لباس‌ها، و روغن مسح، و یک گاو نر برای قربانی گناه، و دو قوچ، و یک سبد نان فطیر؛ و تمام جماعت را بر در خیمه‌ی اجتماع گرد آور. و موسی همان گونه که خداوند به او فرمان داده بود عمل کرد؛ و جماعت بر در خیمه‌ی اجتماع گرد آمدند. و موسی به جماعت گفت: این است آنچه خداوند فرمان داده است که انجام شود. ...

و شما تا هفت روز از در خیمه‌ی اجتماع بیرون نروید، تا روزهای تقدیس شما به پایان رسد؛ زیرا او شما را هفت روز تقدیس خواهد کرد. چنان‌که امروز کرد، خداوند فرمان داده است چنین کنند تا برای شما کفاره به‌جا آورده شود. پس شما هفت روز، شبانه‌روز، نزد در خیمه‌ی اجتماع بمانید و وظیفه‌ی خداوند را نگاه دارید تا نمیرید؛ زیرا چنین به من فرمان داده شده است. پس هارون و پسرانش هرآنچه را که خداوند به‌دست موسی فرمان داده بود، به‌جا آوردند. و در روز هشتم واقع شد که موسی هارون و پسرانش و مشایخ اسرائیل را فراخواند؛ و به هارون گفت: برای قربانی گناه گوساله‌ای جوان، و برای قربانی سوختنی قوچی بی‌عیب برگیر، و آنها را در حضور خداوند تقدیم کن. ... و موسی گفت: این است آنچه خداوند فرمان داده که انجام دهید، و جلال خداوند بر شما ظاهر خواهد شد. ... و هارون دست خود را به سوی قوم برافراشت و آنان را برکت داد، و پس از تقدیم قربانی گناه و قربانی سوختنی و قربانی‌های سلامتی فرود آمد. و موسی و هارون به خیمه‌ی اجتماع درآمدند و بیرون آمدند و قوم را برکت دادند، و جلال خداوند بر تمامی قوم ظاهر شد. و آتشی از حضور خداوند بیرون آمد و قربانی سوختنی و پیه را بر مذبح سوزانید؛ و چون همه قوم این را دیدند، فریاد برآوردند و به روی خود بر زمین افتادند. لاویان 1:8-5، 33-36؛ 9:1، 2، 6، 24-22.

باب بیست‌وسوم به شناسایی لاویان بدلی می‌پردازد که در همان زمانی که لاویان حقیقی مهر می‌شوند آشکار می‌گردند. باب بیست‌ودوم متی با این نتیجه پایان می‌یابد که از آن پس دیگر هیچ‌کس از عیسی پرسشی نپرسید؛ سپس در باب بیست‌وسوم، او هشت «وای» را اعلام می‌کند و نشان می‌دهد که دوره مهلت سنهدرین بسته شده بود و آنگاه دآوری اجرایی قرار بود آغاز شود. در باب بیست‌وچهارم، او هیکل را خانه یهودیان می‌خواند. در نظر داشتن توالی این باب‌ها مهم است.

فصل‌های یازدهم تا بیست‌ودوم انجیل متی، اتمام مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر را در چارچوب عهد خدا با قومی برگزیده مشخص می‌کنند. نمادپردازی پالمونی درباره‌ی آلفا در فصل یازدهم، و نمادپردازی او درباره‌ی امگا در فصل بیست‌ودو، به داستان درون این فصل‌ها می‌افزایند.

فصل بیست‌وسوم، کفاره است؛ پیوند الهی و انسانی، چنان‌که عدد بیست‌وسه آن را نشان می‌دهد. اما این فصل از دآوری اجرایی زنان‌ها، کهنوت جعلی و لاویان جعلی سخن می‌گوید. هر کاهنی لاوی بود، اما هر لاوی کاهن نبود. در میان فرزندان لاوی، تنها تبار هارون برای کهنات صلاحیت داشت. کتاب مقدس تصریح می‌کند که لاویان از سن بیست‌وپنج‌سالگی خدمت را آغاز می‌کردند، اما پسران قهات از سی‌سالگی خدمت می‌کردند.

و خداوند به موسی و هارون گفت: از میان پسران لاوی، پسران قهات را بر حسب خاندان‌هایشان، بر حسب خانه پدرانشان سرشماری کن؛ از سی سال به بالا تا پنجاه سال، همه کسانی که برای انجام کار در خیمه اجتماع به خدمت درمی‌آیند. اعداد ۱:۴-۳.

عدد «۳۰» نمایانگر کاهنانی است که در تبار قهات بودند؛ قهات پسر لاوی بود و پسر قهات، عمام، پدر هارون بود. لاوی یعنی «پیوسته یا ملحق به خدا». قهات یعنی «گردآمده پیرامون حضور او». عمام یعنی «قوم برکشیده»، و هارون یعنی «حامل نور یا میانجی برکشیده». آنان با هم سیر از دریای سرخ تا سینا را ترسیم می‌کنند و بدین‌سان نماد عهد میان خدا و یکصد و چهل و چهار هزار می‌شوند؛ آنان که به عنوان هیکل انسانی با هیکل الهی پیوند می‌یابند، آنگاه که مسیح برای بار دوم دست خود را دراز می‌کند تا قوم باقیمانده‌اش را در مقدسگاه خویش گرد آورد؛ جایی که سپس ایشان را

برمی‌کشد و سرافراز می‌سازد، در حالی که همراه با کاهن اعظم آسمانی نورانی می‌شوند، همان‌گونه که او شدرک، میشک و عبدنغو را نورانی ساخت.

عدد «۳۰» دوره‌ای برای آمادگی کاهنان را نشان می‌دهد و ۲۵، به‌عنوان سن لاویان، باید خط بر خط بر ۳۰ اعمال شود، زیرا هر کاهنی لاوی بود، اما هر لاوی کاهن نبود. سی نمایانگر دوره آمادگی‌ای است که در ۱۹۸۹، در زمان پایان، آغاز شد و در ایالات متحده، در هنگام قانون یکشنبه، پایان می‌یابد. عدد بیست‌وپنج، به‌عنوان نماد لاویان، همچنین نماد جدایی میان دو طبقه است و در ارتباط با کاهنان جدایی‌ای را مشخص می‌کند. بیست‌وپنج در قانون یکشنبه جدایی لاویان و لاویان جعلی را نشان می‌دهد و در زمینه کاهنان حقیقی و لاویان حقیقی نیز تمایزی پدید می‌آورد؛ البته نه جدایی‌ای منفی، مانند آنچه درباره لاویان جعلی است.

قهاث یکی از سه شاخه اصلی لاویان بود (به‌همراه جرشون و مراری). سلسله کاهنی به‌طور مشخص از طریق هارون، از نوادگان قهاث، برقرار شد. هارون از نسل چهارم لاوی است و امتیاز کاهنی در این شاخه قهاثی به فرزندان ذکور او محدود بود. قهاثیان در مجموع (همه بازماندگان قهاث) افتخار حمل مقدس‌ترین اشیا را داشتند، اما تنها دودمان هارون می‌توانست عملاً وظایف کاهنی را بر مذبح و در قدس انجام دهد. هارون نماینده همان نسل چهارمی است که «پیران» در کتاب یوئیل، یا «مشایخ» در باب هشتم حزقیال، که در برابر خورشید سجده می‌کنند، به آن تعلق دارند.

نظام 24 نوبت گردشی (دسته‌ها) برای کاهنان (و به‌طور مشابه برای لاویان غیرکاهن در نقش‌های پشتیبان مانند نوازندگان و دروازه‌بانان) به‌دست پادشاه داوود برقرار شد. داوود فرزندان هارون را برای خدمت به‌صورت نوبتی در 24 نوبت (دسته) سازمان‌دهی کرد (1-19:24 Chronicles). داوود با کمک دو کاهن، صادوق (از تبار العازار) و اخیملیک (از تبار ایتامار)، آنان را به 24 گروه تقسیم کرد (16 از خاندان بزرگ‌تر العازار، 8 از خاندان ایتامار). برای تعیین ترتیب خدمت قرعه انداختند.

هر نوبت به مدت یک هفته (از سبت تا سبت)، سالی دو بار خدمت می‌کرد؛ افزون بر این، همه نوبت‌ها در اعیاد بزرگ با هم خدمت می‌کردند (فصح، پنطیکاست، عید خیمه‌ها). داوود به همین‌گونه لاویان غیرکاهن را نیز برای موسیقی، درباری و غیره در ۲۴ نوبت سازمان داد (اول تواریخ ۲۳-۲۶). این نظام در زمان سلیمان به اجرا درآمد (دوم تواریخ ۸:۱۴) و تا دوره معبد دوم ادامه یافت. زکریا، پدر یحیی تعمیددهنده، در نوبت ابیا بود (لوقا ۱:۵؛ اول تواریخ ۲۴:۱۰). ترتیب ۲۴ نوبت کاهنان با قرعه تعیین شد، و زکریا در نوبت ابیا بود که از میان آن بیست‌وچهار نوبت، «نوبت هشتم» به شمار می‌رفت. «زکریا» به معنی «خدا به یاد می‌آورد» است، و نام پدرش «ابیا» به معنی «خدا پدر من است» می‌باشد.

پدر آسمانی وعده خود را برای برانگیختن پیام‌آوری که راه را برای مسیح آماده کند، به یاد آورد. اما زکریا همچنین با قانون یکشنبه هم‌راستا است، زیرا در آنجاست که سبت—روزی که انسان‌ها می‌بایست همیشه به یاد داشته باشند—به آزمون نهایی بدل می‌شود. زکریا نمایانگر کاهنی از فرقه ابیا است، یعنی «نوبت هشتم». زکریا پیام فرشته را باور نمی‌کند و تا زمان تولد پسرش، یوحنا، لال می‌شود. وقتی یوحنا به دنیا می‌آید، زکریا وارد بحث درباره نام یوحنا می‌شود و سپس سخن می‌گوید. سخن گفتن نبوی ایام آخر، زمانی است که ایالات متحده چون اژدها سخن می‌گوید.

و چنین شد که در روز هشتم آمدند تا کودک را ختنه کنند؛ و می‌خواستند نام او را به نام پدرش، زکریا، بگذارند. اما مادرش پاسخ داد: نه چنین؛ بلکه او یحیی نامیده خواهد شد. به او گفتند: در میان خویشاوندانت کسی نیست که به این نام خوانده شود. پس با اشاره از پدرش پرسیدند که چه نامی می‌خواهد بر او بگذارد. او لوحی برای نوشتن خواست و نوشت: نام او یحیی است. و همه در شگفت شدند. و در همان دم دهانش گشوده شد و زبانش باز شد و سخن گفت و خدا را

ستایش کرد. لوقا 1:59-64.

یوحنا تعمیددهنده از نوبت هشتم ایباً است، همان‌گونه که پدرش بود. در روز هشتم، هنگام ختنه یوحنا، نام او تغییر می‌کند. یوحنا تعمیددهنده نماینده آنان است که کاهن‌اند، از نسل چهارم، و در رابطه‌ای عهدی با خدا هستند؛ خدایی که نامشان را تغییر می‌دهد (از لاودیکه به فیلادلفیا) و آنان را با نشان عهد مهر می‌زند، آنگاه که ایالات متحده چون ازدها سخن می‌گوید.

ما هیکل خداییم. بیانات نبوی خطاب به هیکل، هم با مردان و زنان به‌عنوان افراد سخن می‌گویند و هم به‌صورت جمعی، زیرا کلیسای خدا نیز هیکل است. و البته هیکلی آسمانی نیز هست، و این مسیح است که هیکل خداوند را بنا می‌کند. اوست که پی‌آن را می‌نهد و سنگِ رأس را بر هیکل می‌گذارد. از نظر نمادین، عدد «۲۵» نمایانگر لاویان است؛ آنان که در فصل سوم کتاب ملاکی از لاویان جعلی جدا می‌شوند و در همان بخش نیز تطهیر می‌گردند. در فصل‌های ۴۰ تا ۴۸ کتاب حزقیال، هیکلی نمادین با جزئیات فراوان توصیف می‌شود. آب حیات از آن هیکل جاری می‌شود و زمین را پر می‌کند.

شگفت‌انگیز است کاری که خدا قصد دارد از طریق خدامانش به انجام رساند تا نام او جلال یابد. خدا یوسف را چشمه حیات برای ملت مصر ساخت. به‌وسیله یوسف، زندگی تمام آن قوم حفظ شد. به‌وسیله دانیال، خدا جان همه حکیمان بابل را نجات داد. و این رهایی‌ها همچون درس‌های ملموس بود؛ به مردم نشان می‌داد که چه برکات روحانی‌ای از طریق ارتباط با خدایی که یوسف و دانیال می‌پرستیدند به آنان عرضه شده است. پس امروز نیز خدا می‌خواهد از طریق قوم خود برکاتی را به جهان برساند. هر خادمی که مسیح در دلش ساکن است، هر کسی که محبت او را به جهان نشان می‌دهد، همکار خدا برای برکت بشریت است. هرگاه از نجات‌دهنده فیضی برای بخشیدن به دیگران دریافت می‌کند، از سراسر وجودش موج حیات روحانی جاری می‌شود. مسیح به‌عنوان طبیب بزرگ آمد تا زخم‌هایی را که گناه بر خانواده بشری وارد کرده است شفا دهد؛ و روح او، که از طریق خدامانش کار می‌کند، به انسان‌های رنجوری که از گناه بیمارند، نیروی شفا بخش عظیمی می‌بخشد که برای جسم و جان مؤثر است. کتاب مقدس می‌گوید: «در آن روز چشمه‌ای برای خاندان داود و ساکنان اورشلیم گشوده خواهد شد، برای گناه و برای ناپاکی.» زکریا ۱:۱۳. آب این چشمه دارای خواص درمانی است که هم بیماری‌های جسمی و هم روحانی را شفا می‌بخشد.

از این چشمه رود نیرومندی جاری می‌شود که در رؤیای حزقیال دیده شد. «این آب‌ها به سوی سرزمین مشرق روانه می‌شوند و به بیابان سرازیر می‌گردند و به دریا می‌ریزند؛ و چون به دریا ریخته شوند، آب‌های دریا شفا خواهند یافت. و چنین خواهد شد که هر چه زنده و جنبنده است، هر جا که این رودها برسند، زنده خواهد شد... و در کنار رود، بر کرانه آن، از این سو و از آن سو، همه گونه درختان برای خوراک خواهند روید؛ برگشان پژمرده نخواهد شد و میوه‌شان تمام نخواهد شد؛ بر حسب ماه‌های خود میوه تازه خواهند داد، زیرا آب‌هایشان از مقدسگاه جاری می‌شود؛ و میوه آن برای خوراک و برگ آن برای درمان خواهد بود.» حزقیال ۴۷:۸-۱۳. گواهی‌ها، جلد ۶، ۲۲۷.

هیکل حزقیال نمادپردازی نبوی در عالی‌ترین سطح است، و در مکاشفه یوحنا باب یازدهم به یوحنا فرمان داده شد که هیکل را اندازه بگیرد، اما صحن را از قلم ببندارد. وقتی همین کار را درباره هیکل حزقیال انجام می‌دهیم، درمی‌یابیم که دو عدد از همه شاخص در میان ابعاد هیکل نمایانگر کهنوت‌اند. ۵۰ ذراع برجسته‌ترین عدد است و به‌عنوان طول کلی هر مجموعه دروازه، ۱۱ بار تکرار شده است (حزقیال ۱۵:۴۰، ۲۱، ۲۵، ۲۹، ۳۳، ۳۶، و غیره). عدد ۵۰ همچنین برای طول برخی دیوارها و حجره‌ها به‌کار رفته است (۷:۴۲-۸). این عدد گذرگاه کامل دروازه را از آستانه بیرونی تا آستانه درونی تعریف می‌کند.

۲۵ ذراع به‌روشنی دومین اندازه برجسته است. این اندازه ۱۰ بار به‌عنوان پهناي مجموعه‌های دروازه‌ای تکرار می‌شود (حزقیال ۱۳:۴۰، ۲۱، ۲۵، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۳۶). ۵۰ و ۲۵ با هم الگوهای مستطیلی ثابت ۵۰ در

۲۵ را برای شش دروازه اصلی شکل می‌دهند. این جفت ۵۰ در ۲۵ بر توصیف معماری دروازه‌هایی که به بخش‌های درونی راه می‌برند، غالب است. هیچ جفت دیگری با چنین فراوانی منظم در خود بنای معبد تکرار نمی‌شود.

لاویان در سن ۲۵ سالگی وارد خدمت فعال می‌شدند (اعداد ۸:۲۴): «از بیست و پنج سالگی به بالا برای خدمت حاضر شوند». آنان تا ۵۰ سالگی خدمت می‌کردند (اعداد ۴:۳، ۳۹، ۴۳؛ ۸:۲۵): «تا پنجاه سالگی». این دقیقاً ۲۵ سال خدمت فعال به دست می‌دهد (۵۰ - ۲۵ = ۲۵).

از این رو، دوره ۲۵ ساله خدمت لاویان به طور مستقیم در اندازه‌های ۲۵ در ۵۰ ذراع که بر دروازه‌ها و ساختار معبد غالب‌اند—همان جایی که لاویان خدمت می‌کردند—منعکس شده است. ابعاد اصلی معبد حزقیال، یعنی معبد کلیسای پیروزمند و صد و چهل و چهار هزار، به گونه‌ای معماری در خود همان معبدی طراحی شده‌اند که قرار بود در آن خدمت کنند؛ دقیقاً همان‌گونه که چهل و شش کروموزوم در خود همان معبدی که قوم خدا باید در آن خدمت کند تعبیه شده‌اند. پالمونی امضای خود را بر معبد انسانی فردی و بر معبد پیکره جمعی که قرار است عروس او باشد نهاده است. این سطور را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

کسانی که در مناصب مسئولیت قرار دارند، نباید به اصول لذت‌جویانه و اسراف‌آمیز جهان بگروند، زیرا برایشان میسر نیست؛ و اگر هم می‌بود، اصول مسیح‌گونه اجازه آن را نمی‌داد. باید تعلیمات گوناگون داده شود. "چه کسی را تعلیم دهد تا دانایی بیاموزد؟ و چه کسی را بفهماند تا آموزه را درک کند؟ آنان که از شیر باز شده‌اند و از پستان جدا گشته‌اند. زیرا باید فرمان بر فرمان باشد، فرمان بر فرمان؛ سطر بر سطر، سطر بر سطر؛ اندکی در اینجا و اندکی در آنجا." پس کلام خداوند باید با شکیبایی در برابر فرزندان آورده و پیوسته پیش چشم ایشان نگاه داشته شود، به دست والدینی که به کلام خدا ایمان دارند. "زیرا با لب‌های لکنت‌دار و زبانی دیگر با این قوم سخن خواهد گفت. به آنان گفت: این است آرامشی که به وسیله آن می‌توانید خستگان را آرام دهید؛ و این است تجدید قوا؛ اما نخواستند بشنوند. ولی کلام خداوند برای ایشان شد: فرمان بر فرمان، فرمان بر فرمان؛ سطر بر سطر، سطر بر سطر؛ اندکی در اینجا و اندکی در آنجا؛ تا بروند و به قفا افتند و شکسته شوند و در دام افتند و گرفته شوند." چرا؟ زیرا به کلام خداوند که به آنان رسید، گوش نسپردند.

این به کسانی اشاره دارد که تعلیم نیافته‌اند، اما خرد خود را گرامی داشته و بر آن شده‌اند که مطابق اندیشه‌های خود عمل کنند. خداوند اینان را می‌آزماید تا یا پیروی از هدایت او را برگزینند، یا نپذیرند و طبق اندیشه‌های خویش عمل کنند، و آنگاه خداوند ایشان را به پیامد قطعی و می‌گذارد. در همه راه‌های ما، در همه خدمت ما به خدا، او با ما سخن می‌گوید: «دل خود را به من بده.» خدا روحی تسلیم و تعلیم‌پذیر را می‌خواهد. آنچه به دعا فضیلت می‌بخشد این است که از دلی پرمحبت و مطیع برمی‌خیزد.

خدا از قوم خود امور معینی را می‌طلبد؛ اگر بگویند: «دل خود را برای انجام این کار تسلیم نمی‌کنم»، خداوند آنان را در داوری حکیمانه پنداشته خود، بی‌حکمت آسمانی، و می‌گذارد تا به راه خود ادامه دهند، تا وقتی که این آیه [اشعیا ۳:۲۸] تحقق یابد. شما نباید بگویید: «من از هدایت خداوند تا جایی که با داوری من هماهنگ است پیروی می‌کنم»، و سپس به اندیشه‌های خود سخت بچسبید و نپذیرید که مطابق شباهت خداوند شکل داده شوید. بگذارید این پرسش مطرح شود: «آیا این اراده خداوند است؟» نه: «آیا این نظر یا داوری - است؟» شهادت‌ها برای خادمان. ۴۱۹.